

بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های علمی-کاربردی مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی (در سال تحصیلی ۱۳۸۶)

محمد حسن فرخزاده^{۱*}، حسین عطایی^۲، حسین روحانی^۳ و سید فاضل فاضلی کاخکی^۴

۱- کارشناس مسئول امور پژوهشی مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی

۲- کارشناس ارزشیابی مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی

۳- معاون برنامه‌ریزی و پشتیبانی مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی

۴- مدرس مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر به منظور آگاهی از وضعیت اشتغال به کار دانش‌آموختگان مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی و شناسایی میزان اشتغال در راستای رشته‌ی تحصیلی در هنگام دریافت مدرک که فاصله‌ی نسبتاً مناسبی برای کارایی می‌باشد، انجام شده است. اشتغال دانش‌آموختگان و عوامل مؤثر بر آن (شامل جنسیت، سن، تأهل، نوع دیپلم، پیشرفت تحصیلی و شاغل بودن) از متغیرهای اساسی این پژوهش است که از منظر دانش‌آموختگان مطرح شده است. جامعه‌ی مورد نظر در این تحقیق به صورت تمام‌شمار، شامل کلیه‌ی دانش‌آموختگان (مقاطع کاردانی و کارشناسی) دوره‌های علمی-کاربردی مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی، به تعداد ۱۶۷ نفر است که جهت اخذ مدرک مراجعه نموده‌اند. نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی است و تحقیقی توصیفی یا پیمایش محسوب می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات بر اساس پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته انجام شد. ۲۴ درصد پاسخگویان قبل از اشتغال به تحصیل مشغول به کار بوده‌اند که این نسبت در زمان تحصیل به ۳۰ درصد و یک سال پس از فارغ‌التحصیلی به ۴۹ درصد افزایش یافته است. بین متغیرهای اشتغال با مقطع تحصیلی، رشته‌ی تحصیلی و میزان پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نگردید. در مجموع می‌توان گفت دوره‌های علمی-کاربردی به میزان ۲۰ درصد در زمینه‌ی ایجاد اشتغال در مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی موفق بوده است.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، دانش‌آموختگان، مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی، دوره‌های علمی-کاربردی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش‌های علمی-کاربردی ایجاد اشتغال در جامعه است. برای تحقق چنین هدفی توجه به نیازسنجی، برنامه‌ریزی و اجرای باکیفیت این آموزش‌ها ضروری است. بهبود ساختار هرم نیروی انسانی در بخش کشاورزی از طریق آموزش‌های علمی-کاربردی گامی در راستای توسعه‌ی پایدار کشور می‌باشد. کسب توانایی‌های علمی و کاربردی برای دانشجویان در طول تحصیل در دانشگاه، نقش عمده‌ای را در اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بازی می‌کند. هرم نیروی انسانی نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که سطح اشتغال نیروهای کارشناسی، دیپلم و سیکل گسترده‌تر از مقاطع دکترا، کارشناسی ارشد و کاردانی است (حاجی میررحیمی، ۱۳۷۸).

آموزش‌های علمی-کاربردی با تأکید بر عملیاتی و کاربردی بودن آموزش‌ها، داشتن رویکردی علمی و تجربی، توجه عمده به مهارت‌های فنی دانش‌آموختگان، توانایی بیشتری در ایجاد اشتغال افراد دارند. تأمین نیازهای آموزشی بخش کشاورزی از طریق آموزش‌های علمی-کاربردی و فراهم‌سازی زمینه‌ی اشتغال در راستای تحصیلات و مهارت، یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها در راستای حصول به اهداف توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور است. موانع متعددی نیز وجود دارد که مانع حضور کارآمد و پررنگ دانش‌آموختگان در بازار کار می‌شود و فارغ‌التحصیلان به عنوان جویندگان کار با این موانع آشنایی بیشتری دارند. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در مرکز آموزش جهاد کشاورزی از زبان فارغ‌التحصیلان پرداخته است.

جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در بازار کار منوط به داشتن توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آن‌ها باید در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می‌رسد عدم تناسب بین فرایندها و مواد آموزشی رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌ها با مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بازار کار، مهم‌ترین عامل موفق نبودن فارغ‌التحصیلان در کاربایی و

اشتغال باشد (رحمانی و نظری کتولی، ۱۳۸۲). مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها به عنوان منابع اصلی و حمایت‌کننده‌ی دانشجویان نقش عمده‌ای در توانمندسازی و مهارت‌آموزی به عهده دارند. تأکید عمده بر عملیات میدانی، مزرعه و آزمایشگاه و به طور کلی کاربردی بودن، مهارت‌آموزی و تسلط آموزشی محور اصلی در آموزش‌های علمی-کاربردی می‌باشد.

با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان در رشته‌های مرتبط با بخش کشاورزی از طریق آموزش‌های علمی-کاربردی متأسفانه درصد محدودی از آن‌ها جذب بازار کار می‌شوند. لذا در بخش کشاورزی از یک سو با کهولت سن و پایین بودن سطح سواد شاغلان و از سوی دیگر با عدم به‌کارگیری دانش‌آموختگان در رشته‌ی تحصیلی مرتبط روبرو هستیم (خوی نژاد و میرزایی فیض آبادی، ۱۳۸۲).

پژوهش حاضر به منظور آگاهی از وضعیت اشتغال به کار دانش‌آموختگان مجتمع و شناسایی میزان اشتغال در راستای رشته‌ی تحصیلی در هنگام دریافت مدرک که فاصله‌ی نسبتاً مناسبی برای کاربایی است، انجام شده است. این پژوهش می‌تواند مسئولان و برنامه‌ریزان مجتمع را در تدارک برنامه‌های پیش‌گیرانه و اقدامات مداخله‌ای هر چه مؤثرتر بر اساس نیازسنجی واقعی در تربیت و به‌کارگیری دانش‌آموختگان کمک نماید.

توجه به نقش محوری بخش کشاورزی در توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کشور، ضرورت تربیت نیروی ماهر را روز به روز بیشتر می‌کند. آنچه موجب اهمیت بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش‌های صنعتی می‌شود اقلیم و شرایط جغرافیایی کشور ایران است. آموزش نیروی انسانی ماهر بر اساس نیازسنجی واقعی و توجه به شاخص‌های افزایش بهره‌وری مورد توجه همه‌ی برنامه‌ریزان می‌باشد. بهره‌وری در بخش کشاورزی از طریق توجه به مجموعه‌ی عوامل تولید اعم از کار، سرمایه، زمین، ماشین‌آلات و همچنین وجود نیروی

آموزشی به منظور ارتقای کیفیت به‌کارگیری دانش‌آموختگان را بیشتر فراهم نماید.

روش‌ها

در پژوهش حاضر نمونه‌ی مورد مطالعه شامل کلیه‌ی فارغ‌التحصیلان مقاطع کاردانی و کارشناسی دوره‌های علمی-کاربردی مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی است که جهت اخذ مدرک به مرکز مراجعه کرده‌اند (از بهمن ۱۳۸۵ تا بهمن ۱۳۸۶). بر این اساس تعداد دانشجویانی که پرسشنامه تکمیل نموده‌اند ۱۶۷ نفر است. روش نمونه‌گیری سرشماری است و نمونه برابر با جامعه‌ی آماری می‌باشد.

این پژوهش یک تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی تنظیم‌شده توسط تیم تحقیق است که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. به منظور تعیین روایی، پرسشنامه در اختیار سه نفر از افراد صاحب‌نظر در این زمینه قرار گرفت و پس از تأیید و اصلاح، داده‌های ۳۵ پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS وارد شد و با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/8048$) پایایی پرسشنامه تأیید گردید و در پایان توان عاملی شدن متغیرها از طریق $K-M-O = 0/792$ سنجیده شد و معناداری با استفاده از آزمون کرویت بارتلت ($B-T = 0/000$) مورد تأیید قرار گرفت.

جمع‌آوری داده‌ها بر اساس هماهنگی انجام‌شده با مسئولان مرکز و طرح در جلسه‌ی شورای پژوهش، در جریان فارغ‌التحصیلی بعد از تسویه حساب، از طریق خدمات آموزشی انجام شده است. داده‌های پرسشنامه‌های کامل شده پس از کدگذاری در نرم‌افزار SPSS وارد شد و کلیه‌ی داده‌های ورودی پس از پالایش و اصلاح در فایل نهایی برای تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفته است. توصیف داده‌ها با استفاده از جداول فراوانی، درصد، میانگین و ... انجام گرفته است و با توجه به آزمون‌های آماری کای اسکوتر، تی مستقل و ضریب همبستگی رابطه‌ی بین متغیرها و مقایسه‌ی آن‌ها در قسمت تحلیل داده‌ها بررسی شده است.

متخصص حاصل می‌شود. امروزه افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی به سطحی رسیده که در کشوری مانند امریکا فقط ۵ درصد مردم که در بخش کشاورزی شاغلند قادرند نیازهای ۹۵ درصد کشور را تأمین نمایند (خوی نژاد و میرزایی فیض آبادی، ۱۳۸۲).

دانش‌آموختگان به عنوان اصلی‌ترین منابع ملی و توسعه‌ی اجتماعی از حساس‌ترین اقشار جامعه هستند که باید همه‌ی چرخه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به عهده بگیرند. بنابراین لازم و ضروری است علاوه بر آموزش‌های علمی و تخصصی، اشتغال آن‌ها در راستای رشته‌ی تحصیلی مورد توجه قرار گیرد. برای این‌که دانش‌آموخته‌ی کارآفرین تربیت کنیم نیازمند آن هستیم که نظام آموزشی به سمت پرورش نیروهای شجاع و باشهامت در تصمیم‌گیری حرکت کند. هریک از مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی (مدرس، دانشجو، محیط فیزیکی، زمان‌بندی، محتوا، روش تدریس، روش ارزشیابی و قوانین و مقررات) می‌تواند به صورت مجزا یا در تعامل با دیگر مؤلفه‌ها در ایجاد و تحول روحیه‌ی کارآفرینی اثرگذار باشد (مهرام و فرخزاده، ۱۳۸۸).

احساس امنیت شغلی خمیرمایه‌ی امید، پویایی و تلاش همیشگی انسان به شمار می‌آید و هموار کردن زمینه‌های اشتغال، رویش خلاقیت‌ها و نوآوری‌های برتر علمی و عملی دانش‌آموختگان را به همراه دارد. آموزش‌های علمی-کاربردی در وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۷۵ شروع شده است و همه ساله تعداد زیادی دانشجو در رشته‌های مختلف جذب می‌کند. مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی یکی از بزرگ‌ترین مراکز آموزشی علمی-کاربردی کشور است که در سال ۱۳۸۵ به عنوان مرکز نمونه‌ی کشوری، با بیش از ۲۰۰۰ نفر دانشجو انتخاب شد و در سال ۱۳۸۸ دارای بیش از ۲۰۰۰ نفر فارغ‌التحصیل در مقاطع کاردانی و کارشناسی بود. بنابراین ضرورت دارد با توجه به تأکید آموزش‌های علمی-کاربردی بر ارتقای دانش و مهارت‌آموزی، وضعیت اشتغال دانشجویان به صورت مستمر مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه‌ی برنامه‌ریزی دست‌اندرکاران و مدیران

یافته‌ها

دارویی با ۱۱ درصد و رشته‌های شیر، فرش، مرتع‌داری و گیاه‌پزشکی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. ۲۵ درصد پاسخگویان قبل از شروع به تحصیل مشغول به کار بوده‌اند که این نسبت در زمان تحصیل به ۳۱ درصد و در حداقل یک سال پس از فارغ‌التحصیلی به ۵۰ درصد رسیده است. ۶۸ درصد شاغلان در راستای ادامه‌ی شغل به تحصیل مشغول هستند. ۳۷ درصد شاغلان نوع شغل خود را دولتی گزارش نموده‌اند که عمدتاً کارمند رسمی می‌باشند. در مشاغل خصوصی نیز ۲۵ درصد مشاغل دامپروری، ۱۶ درصد مشاغل صنعتی و ۲۲ درصد مشاغل متفرقه را گزارش نموده‌اند. ۷۴ درصد دانش‌آموختگان بیش از ۲۹ سال سن دارند و میانگین سنی دانش‌آموختگان ۲۸ سال است که در غیرشاغلان ۲۶ و در شاغلان ۳۰ سال است. نتایج آزمون آماری t نشان داد که اختلاف میانگین‌ها از نظر آماری در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار است و شاغلان از میانگین سنی بالاتری برخوردار هستند ($f. = ۱۵/۲۷, DF = ۱۲۰, sig. = ۰/۰۰۰$).

تحلیل عاملی داده‌ها از طریق آزمون بارتلت ($DF = ۶۶, B-T = ۰/۰۰۰$) و استخراج مقدار واریانس هر متغیر، در مجموع ۵۷ درصد واریانس عدم اشتغال دانش‌آموختگان را نشان می‌دهد که ۳۳ درصد واریانس آن مربوط به عوامل اقتصادی، ۱۳ درصد عوامل آموزشی و ۱۱ درصد عوامل فرهنگی است. داده‌های تحلیل شده به

در پژوهش حاضر از دو روش توصیف و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. سیمای آماری داده‌ها نشان می‌دهد در نمونه‌ی مورد مطالعه ۵۹ درصد دانش‌آموختگان را مردان و ۴۱ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. ۵۴ درصد دانش‌آموختگان متأهل و ۴۶ درصد مجرد هستند. ۵۵ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی از رشته‌ی علوم تجربی، ۱۵ درصد از رشته‌ی کارودانش، ۱۱ درصد از رشته‌ی ریاضی و ۱۱ درصد فنی-حرفه‌ای وارد دانشگاه شده‌اند و کمترین فراوانی با ۴ درصد مربوط به رشته‌ی علوم انسانی است. میانگین معدل دانش‌آموختگان ۱۴/۹۳ می‌باشد. معدل ۳ درصد دانشجویان کمتر از ۱۲ و ۸ درصد بیشتر از ۱۷ است. معدل دیپلم ۵۹ درصد دانشجویان بین ۱۴ تا ۱۷ و معدل دیپلم ۳۳ درصد پذیرفته‌شدگان کمتر از ۱۴ بوده است. ۴۲ درصد پذیرفته‌شدگان از سهمیه‌ی آزاد و ۵۸ درصد پذیرفته‌شدگان از سهمیه‌ی شاغلین استفاده کرده‌اند. تعداد ۱۲۶ نفر، یعنی ۷۹ درصد پاسخگویان دانش‌آموخته‌ی مقطع کاردانی و ۳۳ نفر یعنی ۲۱ درصد دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ناپیوسته هستند. بیشتر پذیرفته‌شدگان مقطع کارشناسی، دانش‌آموخته‌ی مقطع کاردانی در همین مرکز بوده‌اند. ۲۱ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی در رشته‌ی تحصیلی پرورش گاو مشغول به تحصیل بوده‌اند. پرورش طیور با ۱۲ درصد، گیاهان

جدول ۱ - بار عاملی متغیرها با چرخش واریماکس

بار عاملی (درصد)	متغیرها	عوامل
۸۰	عدم امنیت سرمایه‌گذاری در رشته	اقتصادی
۷۵	نداشتن سرمایه	
۷۵	عدم آگاهی دانشجو از واحدهای کاری مرتبط با رشته‌ی تحصیلی	
۷۴	عدم اعتقاد کارفرما	
۶۷	سودآور نبودن مشاغل در رشته‌ی تحصیلی	آموزشی
۷۶	ضعف مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان	
۷۵	پایین بودن صلاحیت علمی کادر آموزشی	
۷۵	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی	فرهنگی
۸۴	عدم تمایل به کار تولیدی	
۷۷	پشت میز نشینی در شغل	
۷۳	عدم آگاهی از واحدهای کاری مرتبط با رشته	

جدول ۲ - توزیع فراوانی دانش‌آموختگان بر حسب وضعیت اشتغال

جمع	درصد	تعداد	جواب	اشتغال
۱۶۵	۲۵	۴۲	بلی	اشتغال قبل از تحصیل
	۷۵	۱۲۳	خیر	
۱۵۳	۳۱	۴۷	بلی	اشتغال در زمان تحصیل
	۶۹	۱۰۶	خیر	
۱۲۳	۵۰	۶۱	شاغل	اشتغال در حال حاضر
	۵۰	۶۲	بی‌کار	
۷۴	۶۸	۵۰	بلی	ادامه‌ی تحصیل در راستای شغل
	۳۲	۲۴	خیر	
۸۳	۳۷	۳۱	دولتی	نوع شغل

وسيله‌ی عناصر اصلی با چرخش واریماکس تأیید می‌کند

که هر کدام از متغیرهای جدول ۱ به چه میزان در اشتغال دانش‌آموختگان تأثیر دارد.

می‌کنند.

۲. اشتغال دانش‌آموختگان بر حسب جنسیت، تأهل و شاغل بودن قبل از تحصیل و در زمان فارغ‌التحصیلی چه‌طور ارزیابی و مقایسه می‌شود؟

داده‌های تحقیق گویای این مطلب بود که ۵۶ درصد پاسخگویان را مردان و ۴۴ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. میزان بی‌کاری در مردان ۳۵ درصد و در زنان ۷۰ درصد است. نتایج آزمون آماری کای اسکوتر مبین این مطلب است که در سطح $\alpha = 0/01$ رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر جنسیت و میزان اشتغال وجود دارد، یعنی میزان بی‌کاری در میان زن‌ها خیلی بیشتر از مردان است.

یافته‌های مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که ۵۵ درصد دانش‌آموختگان متأهل و ۴۵ درصد پاسخ‌دهندگان مجرد هستند. همچنین نسبت شاغل بودن در بین دانش‌آموختگان متأهل بیش از دانش‌آموختگان مجرد است. داده‌ها نشان می‌دهد ۵۹ درصد متأهلان و ۳۸ درصد مجردها شاغل هستند. آزمون آماری کای اسکوتر مبین این مطلب است که در سطح $\alpha = 0/05$ رابطه‌ی

تحلیل داده‌ها بر اساس آزمون سؤالات تحقیق انجام گرفته است:

۱. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در مجتمع آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی چگونه است از آن‌جا که ۵۸ درصد پذیرفته‌شدگان از سهمیه‌ی شاغلان و ۴۲ درصد آنان از سهمیه‌ی آزاد بوده‌اند، مطابق جدول ۱ فقط ۲۵ درصد پاسخگویان قبل از اشتغال به تحصیل مشغول به کار بوده‌اند که این نسبت در زمان تحصیل به ۳۱ درصد و در حداقل یک سال پس از فارغ‌التحصیلی به ۵۰ درصد رسیده است. ۶۸ درصد شاغلان در راستای ادامه‌ی شغل به تحصیل مشغول می‌باشند. ۳۷ درصد شاغلان نوع شغل خود را دولتی گزارش نموده‌اند که عمدتاً کارمندان رسمی هستند. در مشاغل خصوصی نیز ۲۵ درصد در مشاغل دام‌پروری، ۱۶ درصد در مشاغل صنعتی و ۲۲ درصد مشاغل متفرقه کار

جدول ۳ - نتایج آزمون آماری کای اسکوتر در زمینه‌ی وضعیت تأهل

X ²	df	sig.	کل	درصد		تعداد		وضعیت تأهل
				شاغل	بی‌کار	شاغل	بی‌کار	
			۵۵	۵۹	۴۱	۴۰	۲۸	متاهل
			۴۵	۳۸	۶۲	۲۱	۳۷	مجرد
۵/۱۸	۱	۰/۰۲۳	۱۰۰	۵۰	۵۰	۶۱	۶۲	جمع

جدول ۴ - نتایج آزمون کای اسکوئر در زمینه‌ی اشتغال قبل از تحصیل و در حال حاضر

X ²	df	sig.	درصد		تعداد		وضعیّت اشتغال		
			درصد کل	درصد بی‌کار شاغل	تعداد کل	بی‌کار قبل از تحصیل			
			۵۰	۶۹	۳۱	۲۹	۲۰	۹	شاغل
			۵۰	۴۴	۵۶	۹۳	۴۱	۵۲	غیرشاغل
۵/۴۷	۱	۰/۰۱۹	۱۰۰	۲۴	۷۶	۱۲۲	۶۱	۶۱	جمع

۳. آیا میزان اشتغال دانش‌آموختگان در رشته‌های مختلف با یکدیگر تفاوت معنادار دارد؟ یا به عبارتی آیا بین میزان اشتغال و رشته‌ی تحصیلی رابطه وجود دارد؟ نتایج آزمون کای اسکوئر مبین این مطلب بود که درصد شاغلان در رشته‌ی مرتع‌داری ۸۵ درصد، در رشته‌ی گاو و گاومیش ۶۴ درصد و در رشته‌های پرورش اسب و بهداشت‌یار دامپزشکی ۵۰ درصد بود. ولی از نظر آماری رابطه‌ی معناداری بین رشته‌ی تحصیلی دانش‌آموختگان و اشتغال مشاهده نشد ($\text{sig.} = ۰/۳۲۴$, $\text{values} = ۱۵/۸۲$, $\text{df} = ۱۴$). همچنین نتایج آزمون کای اسکوئر در زمینه‌ی نوع دیپلم و اشتغال رابطه‌ی معناداری را نشان نداد ($\text{sig.} = ۰/۳۱۶$, $\text{values} = ۵/۹۰۰$, $\text{df} = ۵$).

۴. آیا بین میزان پیشرفت تحصیلی و اشتغال رابطه وجود دارد؟

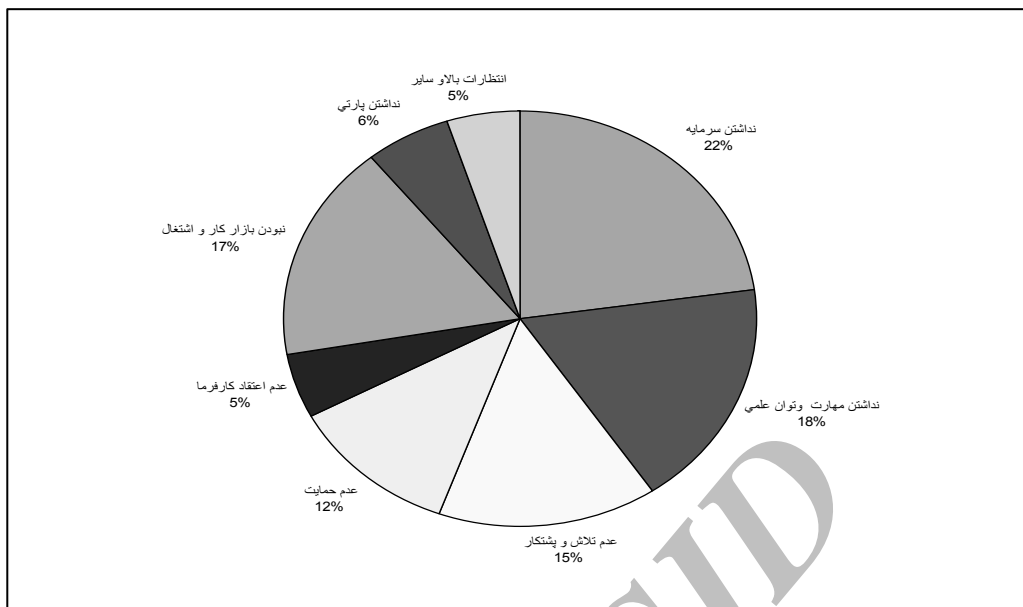
نتایج آزمون تی آماری نشان داد که از مجموع ۸۹ نفری که معدل خود را گزارش نموده بودند، ۴۴ نفر بی‌کار و ۴۵ نفر شاغل هستند. میانگین معدل بی‌کاران ۴/۷۵ و میانگین معدل شاغلان ۱۴/۸۹ است. هرچند میانگین معدل شاغلان مقداری بیشتر است، ولی از نظر آماری تفاوت معناداری بین دو گروه دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل وجود ندارد.

۵. موانع اشتغال از نظر دانش‌آموختگان چیست؟ با توجه به سؤال باز پرسشنامه و کدگذاری مجدد پاسخ‌ها، مهم‌ترین عوامل عدم اشتغال از نظر دانش‌آموختگان به ترتیب اولویت عبارتند از: نداشتن سرمایه با ۲۳ درصد، نداشتن مهارت و توان علمی با ۱۸ درصد، نبود بازار کار و اشتغال با ۱۷ درصد و عدم تلاش و پشتکار با ۱۵ درصد.

معناداری بین دو گروه دانش‌آموختگان شاغل و بی‌کار با تأهل وجود دارد. به عبارت دیگر دانش‌آموختگان متأهل نسبت به دانش‌آموختگان مجرد بیشتر شاغل می‌باشند. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تأهل به احتمال ۹۵ درصد در اشتغال دانش‌آموختگان علمی-کاربردی تأثیرگذار بوده است.

با توجه به این که نسبت شاغل بودن قبل از تحصیل (۲۴ درصد) و در زمان فارغ‌التحصیلی (با توجه به داده‌های جدول ۱) به ۵۰ درصد افزایش یافته است، شاید بتوان نتیجه گرفت که تحصیل در دوره‌های علمی-کاربردی حدود ۲۵ درصد در اشتغال تأثیر دارد، یا به عبارتی نسبت غیر شاغل بودن را از ۷۶ درصد به ۵۰ درصد کاهش داده است. نتایج آزمون کای اسکوئر نیز مبین رابطه‌ی معنادار است؛ در سطح یک درصد اشتغال دانش‌آموختگان قبل از تحصیل و پس از آن (دانش‌آموختگی) در سطح احتمال بیش از ۹۵٪ معنادار است. در مجموع با مقایسه‌ی اشتغال قبل از تحصیل، در زمان تحصیل و پس از آن می‌توان گفت درصد شاغلان از ۶۹ به ۸۹ افزایش یافته است یا به عبارتی میزان شاغلان قبل از تحصیل ۲۴ درصد بوده که به ۳۱ درصد در زمان تحصیل و ۵۰ درصد در زمان فارغ‌التحصیلی افزایش یافته است.

نتایج آزمون کای اسکوئر رابطه‌ی معناداری را بین مقطع تحصیلی و وضعیت اشتغال نشان نداد، به عبارتی تفاوت معناداری در زمینه‌ی اشتغال دانش‌آموختگان کاردانی و کارشناسی مشاهده نمی‌شود، هرچند میزان اشتغال در کاردانی ۵۰ درصد و در کارشناسی ۴۸ درصد است.



شکل ۱ - موانع اشتغال از نظر دانش‌آموختگان

بحث و نتیجه‌گیری

تأهل یکی دیگر از شاخص‌های فردی دانش‌آموختگان است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۵۴ درصد دانش‌آموختگان متأهل و ۴۶ درصد مجرد هستند. این میزان در سال ۱۳۸۲، ۵۰ درصد متأهلان را شامل می‌شده است (خوی نژاد و میرزایی فیض آبادی، ۱۳۸۲). با توجه به مدت زمان نسبتاً زیادی که از پژوهش خوی نژاد و میرزایی فیض آبادی (۱۳۸۲) می‌گذرد، به نظر می‌رسد درصد تأهل چندان افزایشی نیافته است. لذا پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و سیاست‌های حمایت از متأهلان از قبیل وام یا استخدام، زمینه‌ی ازدواج این قشر بیش از پیش فراهم گردد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۴۲ درصد پذیرفته‌شدگان از سهمیه‌ی آزاد هستند و ۵۸ درصد پذیرفته‌شدگان از سهمیه‌ی شاغلان استفاده کرده‌اند. آموزش‌های علمی-کاربردی بیشتر برای شاغلان طراحی گردیده است و ترکیب ۷۰ درصد شاغلان که در سال‌های گذشته بیشتر رعایت می‌شد در این‌جا کمتر شده است و به عبارت دیگر سهمیه‌ی آزاد ممکن است در سال‌های آینده جایگزین سهمیه‌ی شاغلان گردد. با توجه به اهمیت کاربایی دانش‌آموختگان تأکید بر رعایت سهمیه‌ی

بر اساس داده‌های پژوهش در نمونه‌ی مورد مطالعه ۵۹ درصد دانش‌آموختگان را مردان و ۴۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. در حالی که تحقیقات خوی نژاد و میرزایی فیض آبادی (۱۳۸۲) درصد مردان را ۶۹ و زنان را ۳۱ درصد گزارش نموده است. در یک نگاه مقایسه‌ای می‌توان گفت در طول کمتر از ۶ سال ترکیب جمعیت ۱۰ درصد تغییر کرده و در آینده نیز این روند ادامه خواهد یافت. با توجه به شرایط خاص کاری در فعالیت‌های کشاورزی و عرصه‌های عملیاتی به نظر می‌رسد زنان در انجام برخی از کارها که نیاز به قدرت بدنی یا کار در شرایط خاص دارد، نیاز به آمادگی‌های بیشتری جهت فعالیت دارند، لذا پیشنهاد می‌گردد:

- در پذیرش خانم‌های اولویت به روستازادگانی داده شود که با مشاغل کشاورزی آشنایی بیشتری دارند و در آینده سازگاری مناسب‌تری با شغل پیدا خواهند کرد.
- شرایط ادامه‌ی تحصیل برای فرزندان ذکور کشاورزان بیشتر فراهم گردد و حتی بدون آزمون بتوانند ادامه‌ی تحصیل دهند.

۴- فعال کردن مرکز رشد و کارآفرینی با هدف شناسایی استعدادها، رغبت‌ها، علایق، ایجاد انگیزش و کارایی برای فارغ‌التحصیلان.

۵- برای کلیه دانش‌آموختگان از طریق منابع بانکی امکان تهیه وام با درصد کم فراهم گردد تا زمینه فعالیت اقتصادی برای دانش‌آموختگان فراهم گردد.

۶- با واحدهای اجرایی هماهنگی بیشتری انجام شود تا هم در به‌کارگیری دانش‌آموختگان و هم در نظارت فعالیت‌های اجرایی و استفاده از تسهیلات در راستای اهداف اقدام شود.

۷- به دانش‌آموختگانی که در راستای رشته‌ی تحصیلی فعالیت می‌نمایند امکان ارتباط با مراکز آموزشی بیشتر و به عبارتی ارتباط مستمر بین دانش‌آموخته و دانشجو در زمینه تبادلات اطلاعات علمی و اجرایی فراهم گردد.

با توجه به مشکلات مطرح‌شده در اشتغال پیشنهاد می‌گردد از طریق یک برنامه‌ی درسی منسجم، جامع و یک‌پارچه و با در نظر گرفتن مسایل فوق در طول دوران تحصیل به دانشجو کمک شود تا بر این مسایل تا حدودی فایده‌ی آید. به عنوان مثال در عدم امنیت سرمایه‌گذاری به دانشجو کمک شود و از طریق افزایش امید به آینده و احساس توانایی برد در مواجهه با تغییرات روزافزون جامعه (مهرام و فرخ‌زاده، ۱۳۸۸)، اعتماد به نفس و توان ریسک‌پذیری از طریق دروس مختلف به خصوص کارآفرینی چنین روحیه‌ای را در او ایجاد کرد. یا در مورد عدم آگاهی دانشجو از واحدهای کاری مرتبط یا عدم اعتقاد کارفرما، از طریق دروس مختلف مثل کارآموزی، پروژه، سمینار و ... و همچنین ارتباط دوسویه بین گروه‌های آموزشی مرکز و واحدهای کاری مرتبط، دانشجویان را در یافتن آگاهی نسبت به مسایل و مشکلات اجتماعی هر رشته یاری نمود. توجه ویژه به دروس عملی که احتمالاً به نظر می‌رسد در مراکز آموزشی کم‌رنگ‌تر شده‌اند و گاه در قالب بازدید خلاصه می‌شوند، نیاز به بازنگری و توجه خاص یعنی یادگیری در حین عمل که مهم‌ترین کارکرد این آموزش‌هاست، وجود دارد.

شاغلان به خصوص شاغلان واقعی بخش کشاورزی تأکید می‌گردد.

بر اساس داده‌های پژوهش ۲۵ درصد پاسخگویان قبل از اشتغال به تحصیل، مشغول به کار بوده‌اند که این نسبت در زمان تحصیل به ۳۱ درصد و در حداقل یک سال پس از فارغ‌التحصیلی به ۵۰ درصد رسیده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مرکز در مجموع برای ۲۵ درصد دانش‌آموختگان امکان اشتغال ایجاد نموده است. با توجه به بی‌کاری ۵۰ درصد دانش‌آموختگان و کارآمدی این آموزش‌ها، توانایی ایجاد شغل برای ۲۵ درصد چشم‌گیر نیست. ۶۸ درصد شاغلان در راستای ادامه‌ی شغل به تحصیل مشغول هستند. اگرچه این میزان تقریباً مناسب است ولی قابل تأمل است و بهبودی مناسب‌تری برای آن پیشنهاد می‌گردد، چون رسالت این نوع آموزش‌ها ایجاد شغل در راستای رشته‌ی تحصیلی است. ۲۲ درصد دانش‌آموختگان که مشاغل متفرقه را گزارش نموده‌اند، دلیل این ادعا است.

نتایج آزمون کای اسکور در زمینه اشتغال قبل و بعد از تحصیل سطح یک درصد نیز مبین این بود که اشتغال دانش‌آموختگان قبل از تحصیل و پس از آن (دانش‌آموختگی) در سطح احتمال بیش از ۹۵٪ معنادار بود، لذا پیشنهاد می‌گردد در پذیرش دانشجو برای شاغلان واقعی تسهیلات ویژه‌ای از قبیل وام، اسکان در خوابگاه متأهلی و ... در نظر گرفته شود. همچنین با توجه به تحلیل عاملی داده‌ها پیشنهاد می‌گردد:

۱- توجه ویژه به مهارت‌های عملی در راستای شغل و حتی بازبینی محتوای رشته‌های تحصیلی بر اساس تجزیه‌ی شغل؛

۲- توجه به کیفیت تدریس اساتید و بهبود کارایی تدریس از طریق برگزاری کارگاه‌های تخصصی روش تدریس؛

۳- هماهنگی و طراحی مناسب‌تر فعالیت‌های آموزشی و اجرایی با هدف اشتغال و کارایی در هر رشته‌ی تحصیلی و آماده کردن فارغ‌التحصیلان جهت انجام مستقلانه‌ی تمامی مراحل ایجاد شغل؛

منابع

- حاجی میر رحیمی، د. (۱۳۷۸). بررسی تحلیلی آموزش‌های علمی-کاربردی کشاورزی و راه‌کارهای توسعه‌ی این آموزش‌ها. دومین همایش بررسی و تحلیل آموزش‌های علمی کاربردی، تهران.
- خوی نژاد، غ و میرزایی فیض آبادی، ا. (۱۳۸۲). نقد و بررسی نظام آموزش عالی-علمی-کاربردی کشاورزی
- از نظر اشتغال (مطالعه‌ی موردی: مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خراسان).
- رحمانی، ر و نظری کتولی، ع. (۱۳۸۲). چالش‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان. ماهنامه‌ی تدبیر، ۱۵۳
- مهرام، ب و فرخزاده، م. (۱۳۸۸). نقش مدرس به عنوان مؤلفه‌ای از برنامه‌ی درسی در نیل به کارآفرینی. مجله‌ی مطالعات روان‌شناسی تربیتی، شماره ۹، سال ششم، ۹۵-۱۱۲.

Archive of SID

A Survey on the Employment Status of Graduates of Applied Courses of Higher Education Center of Jihad-e-Keshavarzi, Khorasan Razavi (in Academic year 1386)

M.H.Farokhzade, H.Ataee, H.Rouhani & S.F.Fazeli-e-Kakhaki

Abstract

The present study has been conducted to determine the employment status and employment rate of graduates of the higher education center of Jihad-e-Keshavarzi, Khorasan Razavi. Graduate employment and its related factors (including gender, age, marital status, type of diploma, academic achievement, and employment) are the basic variables of this study. The whole research population is studied including all graduates (section associate and bachelor) of scientific-applied center of higher education, agriculture, Khorasan Razavi. The sample includes 167 members. The current study is an applied and descriptive research, because we want to evaluate the present status of graduates. Data collection has been conducted based on a questionnaire. Using SPSS software, data analysis was performed. The findings of this study show that 59 percent of the respondents are male and 41 percent are female. 54 percent were married and the mean age of the graduates is 28 years old. 24 percent of the respondents were working prior to employment, which has become 30 percent at the time of the study, and one year after graduation has increased to 49 percent. Unemployment rate for women (70 percent) is more than men (35 percent) and is statistically significant ($P = 0 / 000$). Married people are more employed compared to singles, and this is statistically significant with more than 95 percent ($P = 0 / 023$) confidence. All we can say is that the courses of scientific application affects job creation in the Education Center of Jihad Khorasan Agriculture with a rate of 20 percent.

Keywords: employment, graduates, agriculture education center, Khorasan Razavi, applied science courses